

وضعیت حقوقی استانداردهای حرفه‌ای وکلای دادگستری (بررسی تطبیقی)

آزاد رضائی*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۵

چکیده

سوءرفتارهای شغلی و حرفه‌ای، همواره موجب سلب اعتماد عمومی از نهادهای مختلف از جمله نهادهای حرفه‌ای و عامل بدنامی آنها در حوزه اخلاق و امور مالی است و همین مسائل، توجه‌کننده تصویب قواعد رفتاری توسط خود حرفه‌مندان و با لحاظ ویژگی‌های آن حرفه است. وکالت از جمله حرفه‌هایی است که مقوله حرفه‌گرایی و استقلال عمل در آن اهمیت زیادی دارد و دولت ایران نیز اخیراً تلاش‌هایی برای ورود بدان انجام داده است. پرسش این است که حرفه وکالت تابع چه نوع ضوابط و استانداردهای حرفه‌ای است و وضعیت حقوقی آنها چگونه است؟ در این زمینه، نهادهای حرفه‌ای وکالت آلمان و آمریکا مدت‌ها پیش در ضمن اسناد مدون و ویژه رفتاری و مستقل از دولت، مبادرت به وضع قواعد رفتاری وکلا و درج تکالیف دقیق رفتاری در آنها کرده و ضمانت‌اجراهایی نیز مدنظر قرار گرفته است. از رهگذر مطالعه توصیفی-تحلیلی درمی‌یابیم که تکالیفی چون رازداری، خودداری از تعارض منافع، رعایت الزامات مربوط به تبلیغ خدمات وکالتی و ... در این کشورها شناسایی شده و با ضمانت‌اجراهای انضباطی و در مواردی کیفری پشتیبانی می‌شوند که به دلیل فقدان الگوی مشخص وضع قواعد رفتاری وکلا در ایران، پراکتدگی مقررات حاکم بر وکلا در سطوح مختلف و ... می‌توانند، نصب‌العین کانون‌های وکلای دادگستری کشورمان قرار گیرند و مداخلات دولتی را بی‌معنا کنند.

کلیدواژه‌گان:

قواعد رفتاری وکلا، ضمانت‌اجرای قواعد رفتاری، رازداری، سوءرفتار حرفه‌ای، رفتارسنجی.

* استادیار، دانشگاه رازی، کرمانشاه

مقدمه

یکی از عوامل اصلی بحران‌های اجتماعی و اقتصادی، رسوایی‌های اخلاقی و مالی در بدنه دولت و حوزه‌های بخشی از قبیل نهادهای حرفه‌ای است که فساد و سلب اعتماد عمومی بدان‌ها را در پی دارد. صنایع و نظام‌های حرفه‌ای برای جلوگیری از این مسائل، استانداردهای حرفه‌ای^۱ را مورد توجه قرار داده‌اند. استانداردهای حرفه‌ای، مجموعه ضوابطی است که توسط حوزه‌های بخشی و مستقل از مصادر دولتی پیش‌بینی می‌شوند و در زمره اسناد نرم قرار می‌گیرند. قواعد رفتاری^۲ در کنار قواعد اخلاقی^۳، دو قسم استانداردهای حرفه‌ای هستند. قواعد اخلاقی بیانیه‌های ارزشی بوده و در شکل سیاست‌ها تدوین می‌شوند^۴ و بیشتر معطوف به جهت‌دهی افکار اعضای حرفه‌ها هستند. لیکن قواعد رفتاری، ماهیتاً ناظر به جهت‌دهی تصمیمات ایشان هستند. یعنی قواعد رفتاری، ماهیتاً منجزتر و دقیق‌تر از قواعد اخلاقی و حاوی فهرستی از رفتارها هستند که در شرایط خاص باید مورد رعایت قرار گیرند یا از آنها اجتناب شود.^۵ این قواعد، دربرگیرنده مقررات واقعی‌تر و عملی‌تر همراه با ضمانت‌اجرای مشخص برای کسانی است که آنها را نقض می‌کنند.^۶ لذا قواعد رفتاری جزئی از چارچوب حقوقی حاکم بر حرفه‌مندان، از جمله وکلا را تشکیل می‌دهد^۷ و تأثیر بسزایی در تنظیم رفتار حرفه‌ای آنها دارند. لذا، قواعد رفتاری برخلاف قواعد اخلاقی، دقیقاً رفتارهای درست و نادرست را تعیین می‌نمایند؛ به نحوی که در تشخیص رفتار، ابهام چندانی باقی نماند.

در این میان، نهادهای حرفه‌ای که در امر خودگردانی و تعیین معیارهایی برای ورود، ثبت‌نام و در کل کنترل رفتارهای حرفه‌ای، اختیارات زیادی دارند و وضع قواعد رفتار حرفه‌ای اصولاً در صلاحیت آنها است، با استفاده از سازوکار خودگردانی حرفه‌ای و با هدف جلب اعتماد عمومی،

1. Professional Standards

2. Codes of Conduct

3. Codes of Ethic

۴. اکبریان، محمد، از بیانیه اخلاقی تا کدهای رفتاری، منابع انسانی، ۱۳۸۸، شماره ۵، ص ۳۸.

5. Plant, Jeremy F., "Codes of Ethics", in: Cooper (Ed), *Handbook of Administrative Ethics*, 2nd Ed, New York: Marcel Dekker Inc., 2000, p. 312.

6. Stapenhurst, R. and Pelizzo, R., *Legislative Ethics and Codes of Conduct*, Washington, D.C., World Bank Institute, 2004. p. 7.

7. Kong-lung, H., "Law and Ethics in Medical Practice: an Overview", *Medical Section*, 2003, p. 4.

مبارزه با فساد، حفظ شأن و منزلت حرفه و ... مبادرت به پیش‌بینی این قواعد می‌کنند.^۱ زیرا در کشورهای مختلف سوءرفتارهای حرفه‌ای را صرفاً با قوانین و مقررات تنظیم نمی‌کنند و به اسناد نرم‌تر مانند قواعد رفتاری متوسل می‌شوند.

در همین راستا، کانون‌های وکلای کشورهایی چون آلمان و امریکا^۲ از سال‌های دور، پاره‌ای استاندارد حرفه‌ای وضع کرده‌اند و به‌موجب بعضی از آنها، تکالیفی را بر دوش وکلای دادگستری گذاشته‌اند^۳ که به‌وضوح منطبق با استقلال و خودگردانی حرفه‌ای آنها است.^۴ پرسش مقاله این است که وضعیت حقوقی این استانداردها چگونه است؟ به دیگر سخن، کدامیک از استانداردهای حرفه‌ای وکلا دارای الزام حقوقی است؟ به نظر می‌رسد که آن دسته از استانداردهای حرفه‌ای که در قالب قواعد رفتاری، تکالیفی را به طور مشخص بر دوش وکلا گذاشته و برای آن نیز ضمانت‌اجرا پیش‌بینی کرده‌اند و از کلی‌گویی به دور هستند، الزام‌آورند و غیردولتی بودنشان لطمه‌ای بدین موضوع نمی‌زند. در نتیجه، ضرورتی هم به مداخله مراجع دولتی برای تنظیم رفتار وکلا احساس نمی‌شود. مواردی چون رازداری، خودداری از تعارض منافع، دقت در امر تبلیغات و ... از جمله تکالیف الزام‌آوری هستند که در چارچوب حقوق نرم، واجد الزام حقوقی می‌باشند.

1. Demmke, C. et al, *Regulating Conflicts of Interest for Holders of Public Office in the European Union (A Comparative Study of the Rules and Standards of Professional Ethics for the Holders of Public Office in the EU-27 and EU Institutions)*, Maastricht: European Institute of Public Administration, 2008, p. 127.

۲. سابقه دو کشور در پیش‌بینی استانداردهای حرفه‌ای وکالت، اهمیت خودگردانی حرفه وکالت و تعیین قواعد رفتاری وکلا در آنها، از جمله دلایل گزینش این دو کشور برای مطالعه تطبیقی است.

3. Horssely M. and Thomas, D., "Professional regulation and Professional autonomy: Benchmarks from across the professions- The New South Wales experience", *change: transformations in Education*, 2003, Vol. 6 (1), p. 35.

۴. از جمله اهداف قواعد رفتاری وکالت نیز این است که وکلا از عناصر اصلی اعمال قانون بوده و حاکمیت قانون، بی‌نفسه مبتنی بر اصولی چون عدالت، انصاف و برابری است. عدم ترویج این اصول توسط وکلا موجب بی‌اعتمادی عمومی و بدنامی قانون، نظام حقوقی و حرفه وکالت خواهد شد و مردم نیز برای حل اختلافات به ابزارهای جایگزین متوسل می‌شوند. روشن است که حاکمیت قانون نیز در فرض افزایش اختلاف و نزاع با شکست مواجه می‌شود (MacFarlane P., "The Importance of Ethics and the Application of Ethical Principles to the Legal Professions: A Working Paper", *Journal of South Pacific Law*, 2002, Vol. 6). بنابراین، اعتماد عمومی لازمه حرفه وکالت است. اعتبار جمعی وکلا هم از دیگر اهداف وضع قواعد رفتاری است. زیرا یکی دارایی‌های ارزشمند حرفه وکالت، اعتبار آن است و جز از رهگذر قواعد رفتاری ضدفساد، قابل حصول نیست.

برای نیل بدین مهم، کتب، مقالات، اسناد و قواعد رفتاری وکلای آلمان و امریکا^۱ را به عنوان کشورهای پیشگام در این حوزه مطالعه می‌کنیم و ضمن بررسی الزام حقوقی قواعد مزبور، به مهم‌ترین تکالیف رفتاری وکلا و ضمانت‌اجرای آن‌ها در این کشورها می‌پردازیم تا راهنمایی برای نهادهای حرفه‌ای وکالت در ایران باشد.^۲

۱. مراجع وضع قواعد رفتاری وکلا

حرفه وکالت در کشورهای مورد مطالعه، با استفاده از سازوکار خودگردانی، مبادرت به پیش‌بینی قواعد رفتار حرفه‌ای نموده است و آن را بر تمامی کسانی که به وکالت اشتغال دارند، اعمال می‌کند. الگوی وضع قواعد رفتاری وکلا در آلمان و امریکا در سطور ذیل بررسی خواهد شد.

۱.۱. مراجع وضع قواعد رفتاری وکلا در آلمان

استانداردگذاری حرفه وکالت در آلمان سابقه زیادی دارد. گرچه در ابتدا به جای خودگردانی حرفه وکالت، دولت آلمان اقدام به استانداردگذاری در این حوزه می‌نمود. «توجه دولت به حرفه وکالت، ریشه تاریخی داشت و امپراتوری آلمان که در سال ۱۸۷۱^۳ شکل گرفت، از طریق پیش‌بینی شرایط متفاوت، کنترل کاملی بر این حرفه داشت و وکلا عملاً به مستخدمین دولتی^۴ تبدیل شده بودند».^۵ در همین راستا، تعدادی از قوانین تأثیرگذار بر سازمان و رویه‌های دادگستری

۱. گفتنی است که مقاله حاضر مبتنی بر مطالعه قواعد رفتاری، ضوابط و قواعد معین، دقیق و مشخص است و عموماً بررسی قواعد کلی اخلاقی را در دستور کار ندارد.

۲. زیرا در ایران به رغم وجود قوانینی چون قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵، لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب ۱۳۳۱ و لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب ۱۳۳۳ و آیین‌نامه‌های لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۴، ۱۳۸۸ و ۱۴۰۰، نمی‌توان از استانداردهای حرفه‌ای وکالت سخن گفت. قدر مسلم آن است که مفاد قوانین مارالذکر درخصوص رفتار وکلا را نمی‌توان قاعده رفتاری و در راستای خودگردانی حرفه‌ای دانست. هر سه نسخه آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا هم همین وضعیت را دارند. برخی اقدامات موردی هم مانند اقدام کانون وکلای مرکز برای اعلام «منشور اخلاق و رفتار حرفه‌ای وکلای دادگستری» بدون درک صحیح استانداردهای رفتاری و اقسام آن، مدنظر قرار گرفته و البته فاقد تعیین و ضمانت‌های اجرایی نیز می‌باشد.

۳. امپراتوری آلمان یا رایش دوم که از ۱۸۷۱ تا ۱۹۱۸ بر بخش‌های وسیعی از شمال و شرق اروپا حکومت می‌کرد.

4. Civil Servants

5. Schultz, U., "Teaching Legal Ethics to the Legal Professions in Europe", *International Journal of the Legal Profession*, Vol. 4, No. 1-2, pp. 1-2.

را تصویب کرد و رفتار وکلا ابتدا توسط یکی از همین قوانین یعنی قانون تشکیلات دادگاه‌ها^۱ مورد تنظیم قرار گرفت اما نهایتاً قانون وکالت^۲ مصوب ۱۸۷۸ که مبتنی بر حرفه واحد در آلمان بود، مبادرت به تنظیم رفتار وکلا کرد.

قانون وکالت نظام اتاق‌های^۳ وکلا را که قبلاً در برخی لندرها وجود داشت، تعمیم بخشید و شکلی از خودمختاری را برای وکلا به ارمغان آورد. البته قبل از عمومیت اتاق‌های منطقه‌ای، اتاق فدرال وکلای آلمان^۴ پیش‌تر و در سال ۱۸۷۱ تأسیس شده بود و هر وکیل آلمانی می‌توانست بدان ملحق شود.^۵ اتاق وکلای فدرال یک نهاد حرفه‌ای مرکب از اعضای حقیقی است^۶ که تنظیم‌کننده حرفه وکالت است و برای آن لابی‌گری می‌کند. مع‌الوصف، عضویت در اتاق‌های منطقه‌ای وکلا برای هر وکیل الزامی است. این اتاق‌ها، با پذیرش عضویت وکیل، به وی پروانه و اجازه فعالیت را اعطا می‌کنند و ارائه خدمات حقوقی از سوی اشخاصی جز آنها، مصداق بارز عمل غیرقانونی است.^۷ و^۸ اتاق‌های منطقه‌ای موظفاند اعمال قوانین و مجموعه قواعد رفتاری را بر حرفه وکالت تضمین کنند. تشکیل این اتاق‌ها، به معنی سلب اختیار نظارت انتظامی بر وکلا توسط دادگاه‌ها و واگذاری آن به نهادهای متشکل از وکلا است. البته، مصادیق رفتار غیراخلاقی و غیرحرفه‌ای همچنان مشمول صلاحیت دادستان لندرها و رسیدگی دادگاه‌ها است.^۹

به موازات اتاق‌های فدرال و منطقه‌ای وکلا، کانون‌های وکلا نیز در آلمان وجود دارد که توسط حقوق‌دان‌های مستخدم دولت ایجاد شده‌اند. بنابراین تعدد نهادهای حرفه‌ای وکلا در آلمان مورد پذیرش قرار گرفته است. کانون‌های وکلا به عنوان مصداق انجمن‌های داوطلبانه،

1. The Court Organization Law

2. Reichsanwaltschaftsordnung

3. Chambers

4. Federal Chamber of Lawyers or Bundesrechtsanwaltskammer

5. Gerold, L., *The Legal Profession in Germany*, 2008, p. 5, Available online at: <https://www.osce.org/odihr/36304?download=true>

6. McClelland, Charles E., *the German experience of professionalization*, Cambridge: Cambridge University Press, 1991, p. 89.

7. Gerold, *Op.cit.*, p. 2.

۸. امروزه انحصار فعالیت حقوقی به اعضای اتاق‌های منطقه‌ای، صرفاً معطوف به تضمین خدمات حقوقی و کیفیت آن است و برخلاف گذشته، به ویژه دوران نازیسم، ابزاری برای سرکوب مخالفان و وکلای یهودی نیست. گرچه انحصار مزبور به دلایلی مثل برخی احکام دادگاه قانون اساسی فدرال آلمان و نیز فشارهای ناشی از گرایشات لیبرالیستی حقوق اروپا، تعدیل شده است.

9. Schultz, *Op. cit.*, p. 2.

کارکرد عمومی نداشتند و صرفاً خود را به‌مثابه یک گروه لابی حرفه وکالت یا حداقل بخشی از آن معرفی می‌کردند.

عضویت در این کانون‌ها برای وکلا اختیاری است و شرط فعالیت حقوقی نیست. امروزه کانون‌ها نقش مهمی در لابی‌گری پارلمانی و روند قانون‌گذاری دارند. این کانون‌ها بر دو نوع هستند: کانون وکلای آلمان^۱ و کانون وکلای جمهوری‌خواه^۲.

درخصوص وضع قواعد رفتاری وکلا، می‌توان از دو مرجع صلاحیت‌دار یاد کرد: اتاق فدرال وکلا و اتحادیه کانون‌های وکلا و جوامع حقوقی اروپا^۳. اتاق فدرال وکلا مبادرت به تصویب قواعد عملکرد حرفه‌ای وکلا^۴ کرده که آخرین بار در سال ۲۰۱۱ مورد اصلاح قرار گرفت. این قواعد، به دلیل ابتنا بر قوانین قابل اعمال، از جمله قانون وکالت فدرال، دارای الزام حقوقی است. اتاق‌های منطقه‌ای به دلیل مسئولیت اجرای قانون وکالت فدرال در مقابل لندرها، خود بر رعایت مقررات مندرج در قانون مذکور و قواعد عملکرد حرفه‌ای وکلا به عنوان منشور قانوناً الزام‌آور، نظارت می‌کنند. شایان توجه است که تعهد و سوگند به قواعد عملکرد حرفه‌ای یکی از مهم‌ترین شرایط موافقت با عضویت وکلا در اتاق‌های منطقه‌ای است. رؤسای اتاق‌ها نیز در کنار سوگند به قانون اساسی، سوگند به این مجموعه قواعد را عملیاتی می‌کنند.^۵ مباشرت اتاق فدرال وکلا در وضع قواعد مزبور، نقش اتاق‌های منطقه‌ای به قرار فوق و استقلال آنها از دولت، نشان‌دهنده اتکای این قواعد بر امر خودگردانی حرفه‌ای است.^۶

ضمناً ماده ۳۵ قواعد عملکرد حرفه‌ای وکلای آلمان، بیان می‌کند که این سند سه ماه پس از ارسال به وزارت دادگستری فدرال لازم‌الاجرا است؛ به شرطی که بخشی یا تمام آن از سوی وزارت موصوف، از اعتبار ساقط نشود. یعنی ملاک لازم‌الاجرا شدن آن، امضای سند توسط رئیس

1. German Bar Association or Deutsche Anwaltsverein
2. The Republican Bar Association or Republikanischer Anwaltinnen
3. Council of Bars and Societies of Europe
4. Rules of Professional Practice
5. Gerold, *Op. cit.*, p. 17.

۶. این قواعد توسط برخی قوانین داخلی و سیاست‌های اتحادیه اروپا جرح و تعدیل شده‌اند. در همین زمینه چندین قانون با هدف تنظیم حرفه وکالت وضع شده است. این امر به سبب تقاضاهای متعدد دادگاه قانون اساسی آلمان برای مقررات‌زدایی از حرفه و کاهش ممنوعیت‌های قدیمی مربوط به فعالیت‌هایی چون تبلیغات و نیز با هدف تقویت حق بر فعالیت حقوقی به عنوان یک حرفه آزاد انجام گرفت. اتحادیه اروپا نیز طالب هماهنگی و مطابقت قواعد موصوف با استانداردهای اروپا است (Gerold, *Op. cit.*, p. 17).

یا دبیر مجمع قانونی^۱ است.^۲ مجمع قانونی اصطلاحاً پارلمان حرفه وکالت است که در چارچوب اتاق فدرال وکلای می‌گنجد.^۳ تعیین مهلتی برای لازم‌الاجرا شدن سند مذکور، مبین الزام حقوقی آن است.

اتحادیه کانون‌های وکلای و جوامع حقوقی اروپا هم مجموعه قواعد رفتاری وکلای اروپا^۴ را در ۱۹۸۸ تصویب کرده است. بند ۱-۲-۱ این سند، اعلام می‌کند که قواعد رفتاری حرفه‌ای باید توسط کسانی که مشمول آن قرار می‌گیرند، طراحی و تصویب شود.^۵ در اینجا منظور خود وکلای است و همین مهم بیان‌گر ماهیت خودگردانی قواعد مذکور است. تمام وکلایی که عضو انجمن وکلای کشورهای عضو اتحادیه اروپا هستند، باید در فعالیت‌های فرامرزی خود در سطح اتحادیه اروپا مفاد این سند را رعایت کنند و در موارد تعارض با قواعد حرفه‌ای داخلی نیز، مفاد مجموعه قواعد رفتاری وکلای اروپا مطاع است.

۱.۲. مراجع وضع قواعد رفتاری وکلای در آمریکا

آمریکا در عرصه وضع استانداردهای حرفه‌ای وکلای پیشگام است و سابقه آن به قرن نوزدهم برمی‌گردد. مع‌هذا اکثر این قواعد، از نوع قواعد اخلاقی بوده و قواعد رفتاری وکلای حاصل تلاش‌هایی است که تقریباً در ربع چهارم قرن بیستم و مشخصاً پس از رسوایی واترگیت صورت گرفت.

از جمله مجموعه‌های اخلاقی وکلای می‌توان به مجموعه احکام سه‌گانه کانون وکلای آمریکا^۶ اشاره کرد که در ۱۹۰۸، به‌عنوان نمونه‌هایی برای وضع قواعد رفتاری توسط ایالت‌ها پیش‌بینی شد. از آنجا که مجموعه‌های مذکور ماهیت اخلاقی داشته و با لحن آرمانی انشا شده بودند، هیچ‌یک مستقیماً قادر به کنترل رفتار وکلای نبودند و دادگاه‌ها و کانون‌های ایالتی آنها را مطمح‌نظر قرار نمی‌دادند.^۷ به همین جهت، کانون وکلای آمریکا در سال ۱۹۶۹ اقدام به وضع

1. Statutory Assembly

2. Rules of Professional Practice, Art 35 (1) to (3)

۳. برای اطلاعات بیشتر در این خصوص، رک: وب‌سایت اتاق فدرال وکلای آلمان <https://www.brak.de/die-brak>

4. The Code of Conduct for European Lawyers

5. The Code of Conduct for European Lawyers, Para. 1-2.

6. American Bar Association (ABA)

۷. احکام یا بیانیه‌های ۱۹۰۸ کانون وکلای آمریکا، مبتنی و در حقیقت اقتباس کلمه به کلمه قواعد اخلاقی آلاباما مصوب ۱۸۸۷ است.

نمونه قواعد مسئولیت حرفه‌ای^۱ نمود. این سند، نخستین تلاش کانون وکلای امریکا برای تدوین مجموعه استانداردهای رفتاری ملی لازم‌الاجرا برای وکلا است. سند مذکور به طور قابل توجهی مورد توجه ایالت‌های عضو قرار گرفت و در سال ۱۹۷۴، ۴۹ ایالت قواعد اخلاقی‌ای را بر مبنای سند فوق تصویب کردند.^۲

گفتنی است که نمونه قواعد مسئولیت حرفه‌ای نیز همچنان ملاحظات اخلاقی را در راهنمایی وکلا دخیل می‌کرد و در بسیاری از مواقع، گرهی از کار وکلا باز نمی‌کرد. همین امر، منجر به تشکیل کمیسیون ارزیابی استانداردهای حرفه‌ای از سوی رئیس کانون وکلا شد. حاصل کار کمیسیون و آخرین تلاش کانون وکلای امریکا برای وضع نمونه قواعد رفتاری، تصویب نمونه قواعد رفتار حرفه‌ای مصوب ۱۹۸۳^۳ بود. این سند در بحبوحه طرح مسائل و پرسش‌های جدی پیرامون کیفیت مجموعه‌های نمونه رفتاری کانون وکلای امریکا تهیه و تصویب شد. اغلب پرسش‌های مزبور، به تعداد زیاد وکلایی ارتباط داشت که در رسوایی واترگیت به نحوی شرکت داشتند.^۴ نمونه قواعد رفتار حرفه‌ای به طور قابل توجهی، لحن آرمانی قواعد پیشین را کنار گذاشت و بر بیان قواعد الزامی و متعین تأکید می‌کند. لذا نمونه قواعد رفتار حرفه‌ای وکلا مصوب ۱۹۸۳ همراه با اصلاحات سال‌های بعد به ویژه اصلاحیه ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶، مجموعه قواعد رفتاری حاکم بر وکلا در چارچوب خودگردانی حرفه‌ای است.

به موازات قواعد رفتاری ناشی از خودگردانی حرفه وکالت، ایالت‌های امریکا هم ضوابط رفتاری‌ای را برای تنظیم رفتار وکلا ایجاد کرده‌اند. گرچه همه این ضوابط، مبتنی بر نمونه قواعد رفتاری کانون وکلای امریکا هستند، در معنای واقعی نمی‌توان آنها را در راستای خودگردانی حرفه‌ای قلمداد کرد؛ زیرا از رهگذر قوه مقنن و اقدامات قاعده‌ساز^۵ دادگاه‌های ایالتی به منصفه ظهور رسیده‌اند.^۶ پرواضح است که ضوابط ناشی از اقدامات تقنینی ایالتی، قاعده رفتاری محسوب

1. Model Code of Professional Responsibility

2. Geraghty, P., "History of U.S Legal Ethics Standards", 2016, Available online at: <https://www.americanbar.org/publications/youraba/2016/december-2016/a-brief-history-of-the-development-of-legal-ethics-standards-in-.html/>

3. ABA Model Rules of Professional Conduct

4. Moliterno, James E., *Professional Responsibility*, 3rd Edition, New York: Aspen Publishers, 2010, p. 12.

5. Rule-Making Action

6. Ibid., p. 13.

نمی‌گردند و قانون هستند. دادگاه‌ها نیز به شیوه‌های مختلفی قادر به ایجاد ضوابط رفتاری حاکم بر وکلا هستند. تفسیر مجموعه قواعد رفتاری و همچنین اقتدار ذاتی برای تنظیم رفتار وکلا از جمله این شیوه‌ها است.^۱ در خصوص مورد نخست، دادگاه‌ها قواعد رفتاری موجود را تفسیر و نیز در فعالیت‌های تفسیری خود، به همان شیوه‌ای که قواعد ناشی از تفسیر قوانین عادی را ایجاد می‌کنند، قواعد ناظر به وکالت را هم ایجاد می‌نمایند. شیوه دوم نیز در این راستا است که دادگاه‌ها اقتدار ذاتی برای تنظیم رفتار وکلا دارند، لذا آرای قضائی مربوط به رفتار وکلا هم وجود خواهد داشت. با این وصف، ضوابط موجود را نمی‌توان قواعد رفتاری در چارچوب خودتنظیمی حرفه‌ای تلقی نمود. به علاوه، کارکرد تفسیری دادگاه‌ها در راستای رسیدگی به دعوی و موارد نقض قواعد رفتاری به‌عنوان کارکردی دولتی است و مناسبتی با تنظیم حرفه وکالت ندارد. اقتدار ذاتی دادگاه‌ها برای تنظیم رفتار وکلا هم فی‌نفسه ایجادکننده قاعده جدیدی نیست و وفق همان نمونه قواعد رفتار حرفه‌ای اعمال می‌شود.

۲. مصادیق تکالیف رفتاری وکلا

تکالیف رفتاری برای تضمین جایگاه حرفه‌ها پیش‌بینی می‌شوند. زیرا انجام این تکالیف، موجب نگرش مثبت به حرفه‌مندان شده و النهایه جلب اعتماد عمومی بدیشان را موجب می‌شود.^۲ این مهم متکی به حذف فساد، پاسخ‌گویی، تعالی اخلاقی و ... است که از رهگذر پیش‌بینی تکالیف رفتاری تحقق می‌یابند. این تکالیف هم در قالب قواعد رفتاری قرار می‌گیرند. با بررسی قواعد مذکور می‌فهمیم که لازمه رعایت تکالیف رفتاری، دربرداشتن میزانی از الزام حقوقی است؛ چراکه تکالیف رفتاری می‌توانند ابزاری برای ارزیابی رفتاری حرفه‌ها باشند. البته این امر زمانی ممکن است که به صورت مفصل تنظیم و جزئیات را تعیین کنند تا از ارائه تفاسیر مختلف جلوگیری شود.^۳

1. Ibid.

۲. ویژه، محمدرضا و آزاد رضائی، مبنای اعمال نظارت حرفه‌ای پارلمانی: منزلت نمایندگی و پارلمان، حقوق اساسی، ۱۳۹۲، سال ۱۰، شماره ۱۹، ص ۱۸۲.

3. Terhart, E., "Formalised Codes of Ethics for Teachers: Between Professional Autonomy and Administrative Control", *European Journal of Education*, 1998, Vol. 33, No. 4, p. 440.

البته تکالیف رفتاری مستغنی از ارزش‌های اخلاقی نمی‌باشند و تفکیک میان قواعد رفتاری و قواعد اخلاقی در مقدمه به معنای بی‌توجهی به ارزش‌های اخلاقی در پیش‌بینی تکالیف رفتاری نیست. بلکه برعکس، ضروری است تکالیف رفتاری متضمن ارزش‌های اخلاقی باشند. تنها سخن در این است که چنین ارزش‌هایی نه در کالبد یک قاعده، بلکه باید به عنوان اهداف قواعد رفتاری مطمح‌نظر قرار گیرند.^۱

در خصوص تکالیف رفتاری وکلا، می‌توان برخی تکالیف نمونه را برشمرد و وفق آنها، اقدام به بررسی تکالیف رفتاری حاکم بر وکلای آلمان و امریکا نمود. تکالیف مندرج در مقررات بین‌المللی رفتار وکلای دادگستری کانون وکلای بین‌المللی^۲ دربردارنده این تکالیف نمونه است. رازداری، خودداری از تعارض منافع، دفاع شایسته از موکل، عدم تبلیغات و رعایت حسن‌نیت در ارتباط با همکاران از جمله تکالیف نمونه هستند. باید دید در قواعد رفتاری وکلای دادگستری کشورهای مورد مطالعه، از این تکالیف الگوبرداری شده است یا خیر.

۲.۱. مصادیق تکالیف رفتاری وکلا در آلمان

منبع اصلی قواعد رفتاری وکلای آلمان قواعد عملکرد حرفه‌ای و قواعد رفتاری وکلای اروپا است. در میان این دو نیز قواعد عملکرد حرفه‌ای وکلا مهم‌تر است. هریک از اسناد مذکور، تقسیم‌بندی متفاوتی از تکالیف رفتاری وکلا ارائه داده‌اند، لذا شاید تنها راه، تبعیت از دسته‌بندی مقررات بین‌المللی رفتار وکلای دادگستری باشد.

۲.۱.۱. رازداری^۳

رازداری یکی از مهم‌ترین تکالیف رفتاری حاکم بر وکلای آلمان است که بدون آن، اطمینانی شکل نمی‌گیرد و اعتماد عمومی به وکالت نیز مخدوش می‌شود. بنابراین وفق ماده ۲ قواعد عملکرد حرفه‌ای و بند ۳-۲ قواعد رفتاری وکلای اروپا، رعایت رازداری تکلیفی بنیادین است. رازداری وکیل شامل تمام اطلاعاتی است که او به اقتضای فعالیت حرفه‌ای خود از طرق مختلف کسب می‌نماید، ولو اینکه پس از استعفای خود از وکالت، آنها را تحصیل کند. لذا، تکلیف به

1. Gilman, Stuart C., *Ethics Codes and Codes of Conduct as Tools For Promoting an Ethical and Professional Public Service: Comparative Successes and Lessons*, Washington, DC: World Bank, 2005, p. 34.

2. International Bar Association (IBA)

3. Confidentiality

رازداری مطلق بوده و منحصر به زمان مشخصی نیست.^۱ مطابق بند ۴ ماده ۲، «وکلا باید به صراحت، کارکنان یا دیگر اشخاص شرکت‌کننده در دعوا را مکلف به رازداری نمایند».^۲ گفتنی است که حکم اخیر مستند به بند ۲ ماده ۴۳ قانون وکالت فدرال است و همین بر الزام حقوقی تکلیف به رازداری می‌افزاید.

۲.۱.۲. خودداری از تعارض منافع^۳

در سال ۲۰۰۳ سازمان همکاری و توسعه اقتصادی دیدگاه موسعی در رهنمود رفتاری خود در خصوص تعارض منافع ارائه داد. طبق آن، تعارض منافع عبارت است از تعارض میان تکلیف رسمی و منافع خصوصی اعضای حوزه‌های بخشی به طوری که منافع مذکور به طرز نامتعارفی بر اجرای تکالیف و مسئولیت‌های رسمی آنها تأثیر بگذارد. این سازمان تأکید می‌کند که در هنگام تدوین قواعد جلوگیری از تعارض منافع باید بر اصول آتی تمرکز کرد: ارائه منافع عمومی، حمایت از شفافیت و بازرسی و ارتقای مسئولیت فردی. دیگر شیوه‌های تدوین قواعد رفتاری، تعارض منافع را به روابط سیاسی، اجتماعی و معاملاتی که ممکن است بی‌طرفی، استقلال و صداقت اعضا را تحت تأثیر قرار دهد، تسری می‌دهند.^۴ بنابراین، در چارچوب خودداری از تعارض منافع، می‌توان از تکالیف رفتاری متعددی سخن گفت.

ماده ۳ قواعد عملکرد حرفه‌ای وکلا و بند ۲-۳. قواعد رفتاری وکلای اتحادیه اروپا از تعارض منافع سخن به میان می‌آورند. به نظر می‌رسد، تکالیفی چون حفظ استقلال، عدم پذیرش هم‌زمان وکالت طرفین و ...، همگی در راستای خودداری از تعارض منافع است.

۲.۱.۲.۱. عدم پذیرش هم‌زمان وکالت طرفین دعوا

مطابق بند ۱ ماده ۳ قواعد عملکرد حرفه‌ای، وکلا باید از وکالت یکی از طرفین دعوا که پیش‌تر در همان دعوا، به طرف مقابل وی مشاوره داده یا وکالت وی را پذیرفته‌اند، خودداری کنند. بند ۲-۳. قواعد رفتاری وکلا نیز مقرر کرده است که وکیل نباید وکالت دو یا چند موکل را

1. Code of Conduct for Lawyers in the European Union, Para 2.3.3.

2. Rules of Professional Practice, Art 2 (4).

3. Conflict of Interest

4. Lewis C. W. and Gilman, S. C., *The Ethics Challenge in Public Service: A Problem-Solving Guide*, 2nd Ed, Jossey-Bass Publication, 2005, pp. 197-198.

در یک دعوا بر عهده گیرد. این ممنوعیت نه تنها در فرض وجود تعارض منافع بلکه حتی در فرض احتمال آن نیز جاری است.^۱

این ممنوعیت شامل وکلایی هم که به طور مشترک با وکیل اصلی فعالیت می‌کنند یا در دفاتر مشترک کار می‌کنند، خواهد شد. در صورتی که وکیل بفهمد احکام فوق را نقض کرده، فوراً باید مراتب را به موکلین اعلام و وکالت موکل دوم را در آن دعوا متوقف کند.^۲ هدف از چنین تکلیفی، رفع تعارض میان منافع موکلین در مرحله نخست و رفع تعارض منافع وکیل با منافع و حقوق موکل در مرحله بعد است.

۲.۱.۲.۲. حفظ استقلال وکالا

بخش نخست قواعد عملکرد حرفه‌ای وکلای آلمان تصریح می‌کند که وکالا باید فعالیت خود را به صورت مستقل و به‌عنوان عضوی از یک حرفه خودتنظیم انجام دهند.^۴ بنابراین در همان ابتدا با عبارتی کلی، بر ضرورت حفظ استقلال وکالا تأکید کرده است. بدیهی است که اشتغال به بعضی فعالیت‌ها همچون وکالت پاره‌وقت در پاره‌ای نهادها، بیم از خدشه به استقلال آنها را تقویت و درنهایت، شائبه تعارض میان منافع خصوصی وکیل با منافع احتمالی موکل را در بردارد. بند ۲-۵-۲ قواعد رفتاری وکلای اتحادیه اروپا نیز بر چنین مهمی تأکید ورزیده است. به‌علاوه، جایگاه وکیل و تکالیف رسمی وی، نباید تحت تأثیر عوامل و فشارهای خارجی قرار گیرد و مثلاً برای رضایت خاطر موکل، دادگاه یا اشخاص ثالث، تکالیف رفتاری خود را کنار بگذارد. در غیر این صورت، محلی برای استقلال وی باقی نخواهد ماند.^۵

۲.۱.۲.۳. تفکیک وجوه دیگران از اموال خود و پرداخت به موقع آن

وکلائی که وجوه موکل خود یا شخص ثالثی را به امانت در اختیار دارند، باید آن را در یک حساب بانکی یا مؤسسه تحت نظارت یک مرجع عمومی پس‌انداز کنند. این حساب باید از سایر

1. Code of Conduct for Lawyers in the European Union, Para 3-2-1.

2. Rules of Professional Practice, Art 3 (1) to (4).

۳. گفتنی است که در اغلب کشورهای با نظام حقوق نوشته، تعارض منافع به عنوان مقوله‌ای اخلاقی و نه حقوقی مدنظر قرار می‌گیرد و در حقیقت، به رابطه وکیل با موکل بستگی دارد (Goldstein B. M., *Professional Legal Ethics: A Comparative Perspective*, USA, American Bar Association, 2002, p. 10). بنابراین اگر علی‌رغم وجود تعارض منافع، موکل به ادامه وکالت وکیل رضایت داشته باشد، وی تکلیفی به حل آن ندارد.

4. Rules of Professional Practice, Art 1.

5. Code of Conduct for Lawyers in the European Union, Para 2-1-1.

حساب‌های بانکی وکیل مجزا باشد. تمام وجوه موکل که توسط وکیل وصول می‌شود، باید به چنین حسابی واریز گردد، مگر اینکه مالک این وجوه، به ترتیب دیگری رضایت بدهد. بند ۱ و ۲ ماده ۴ قواعد عملکرد حرفه‌ای وکلا، صراحتاً از حساب بانکی ثالث^۱ یاد می‌کند.^۲ وفق بند ۲-۸-۳ ماده ۳ مجموعه قواعد رفتاری وکلای اتحادیه اروپا، وکیل باید سوابق دقیق و کامل اقداماتش نسبت بدین وجوه و تمایز آن از سایر وجوه در اختیار وکیل را حفظ کند.

موجودی چنین حسابی نباید جز در شرایط استثنایی مانند تصریح قوانین، به عنوان بدهی موکل یا وکیل به بانک ضبط شود یا به عنوان وثیقه مورد استفاده قرار گیرد و باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن به مالک پرداخت گردد.^۳

۲.۱.۳. محدودیت در تبلیغات

وکلا در آلمان، طبق ماده ۶ قواعد عملکرد حرفه‌ای و بند ۱-۶-۲ قواعد رفتاری وکلای اروپایی صرفاً می‌توانند اطلاعات شخصی و اطلاعات مربوط به خدمات خود را که حاوی اهداف و فعالیت‌های حرفه‌ای است و لطمه‌ای به رازداری و سایر ارزش‌های بنیادین وکالت نمی‌زند، منتشر کنند.^۴ مع الوصف تبلیغات مربوط به میزان موفقیت در دعاوی و گردش مالی وکیل جایز نیست. مضافاً، وکلا نباید اشخاص ثالث را به تبلیغاتی بگمارند که خود مجاز به انجام آن نیستند.^۵ در همین راستا بند ۲-۶-۲ قواعد رفتاری وکلای اتحادیه اروپا اعلام کرده که تبلیغات شخصی در مطبوعات، رادیو، تلویزیون، وسایل ارتباطی الکترونیکی و غیره مجاز است، مشروط به این که الزامات فوق را دارا باشد. لذا تبلیغات شخصی وکلا ممنوع نشده، بلکه صرفاً تنظیم گشته است. ظاهراً این آزادی نسبی در تبلیغ خدمات و فعالیت‌های حقوقی، مبتنی بر مواضع دادگاه قانون اساسی آلمان است. این دادگاه در مواردی نسبت به تصمیمات اتاق وکلا در مورد اعمال

1. Third Party Account

2. Rules of Professional Practice, Art 4 (1) and (2).

۳. به نظر می‌رسد، این تکالیف حاصل تکلیف به سپردن وجوه متعلق به دیگران به حسابی متفاوت از سایر حساب‌های وکیل است. این در حالی است که در ایران چنین وضعیتی حاکم نبوده و برای مثال، وجوه مربوط به دیه موکلین، در صورت اعلام شماره حساب از سوی وکیل به حساب وی واریز می‌گردد و این حساب ممکن است، همان حساب فعال وکیل برای انجام اغلب امور بانکی وی باشد. آشکار است که چنین وضعیتی زمینه استفاده‌های متفاوت توسط وکیل را فراهم و از سویی نیز برای دیگران و از جمله موکل، ابهامات و پرسش‌های زیادی ایجاد می‌کند.

4. Code of Conduct for Lawyers in the European Union, Para 2-6-1.

5. Rules of Professional Practice, Art 6 (2) and (3).

ضمانت‌اجراهای انضباطی علیه وکلا حکم داده است. در قضیه باستیل در سال ۱۹۸۷، دادگاه قانون اساسی به وکلا اجازه تبلیغ خدمات حقوقی خود با هدف جذب موکل جدید را داد. حال آنکه این عمل قبلاً ممنوع اعلام شده بود و وکلایی که این ممنوعیت را رعایت نمی‌کردند، مشمول اقدامات انضباطی توسط اتاق وکلا قرار می‌گرفتند. رأی باستیل، گامی به سوی آزادی بیشتر حرفه وکالت بود. دادگاه در این رأی اعلام کرد که متعاقب برخی دعاوی دیگر، ممنوعیت تبلیغات با اعمال آزادانه حق بر انتخاب حرفه و شغل ناسازگار است.^۱

۲.۱.۴. رعایت حسن همکاری میان وکلا

بند ۲-۵ قواعد رفتاری وکلای اتحادیه اروپا، ناظر به همکاری میان وکلای عضو اتحادیه است. این بند مقرر می‌کند که وکیل نباید وکالت در موضوعات خارج از تخصص خود را بپذیرد و هرگاه موضوع در تخصص همکار او است و وی نیازمند پاره‌ای اطلاعات باشد، باید آماده کمک به او برای دستیابی به آن اطلاعات برای قادر ساختن وی به پذیرش وکالت در خصوص دعوی مذکور باشد.^۲ ارائه اطلاعات لازم به وکیل و نیز توجه به تخصص وکلای دیگر در یک دعوی خاص، بیانگر تعهد به رعایت حقوق همکاران و نیز نضج روح همکاری میان آنها است. روحیه همکاری وکلا، اخذ و پرداخت پورسانت را هم غیرموجه می‌کند. بندهای ۱-۴-۵ و ۲-۵-۴ مجموعه قواعد رفتاری وکلای اتحادیه اروپا، مطالبه یا اخذ پورسانت توسط یک وکیل برای ارجاع موکل به دیگر وکلا و نیز پرداخت پورسانت به دیگران به دلیل ارجاع موکل به وی را ممنوع کرده است.^۳

گویا در ادامه لزوم حسن همکاری، وکلای عضو اتحادیه موظف شده‌اند دیگر همکاران اروپایی خود را از قواعد رفتاری کشور میزبان یا محل فعالیت وکالت آگاه سازند.^۴

۲.۱.۵. دفاع شایسته از موکل

این تکلیف به‌طور پراکنده و در بخش‌های مختلف مورد اشاره قرار گرفته است. دفاع شایسته از موکل، مستلزم به‌کار گرفتن تمام تلاش برای موکل از سوی وکیل است. با این وصف، جنبه دیگری نیز دارد و آن دفاع شرافتمندانه و به دور از تبانی به زیان طرف مقابل است؛ چراکه روابط

1. Gerold, Op. cit., p. 4.

2. Code of Conduct for European Lawyers, para 5.2.

3. *Ibid.*, para 5-4-1 and 5-4-2.

4. Code of Conduct for European Lawyers, para 2-4.

و باور عمومی مملو از اعتماد به وکیل، تنها زمانی شکل می‌گیرد که نسبت به شرافت، درست‌کاری و صداقت وکیل تردیدی نباشد. در همین راستا، یکی از تکالیف وکلا وفق بند ۴-۴ مجموعه قواعد رفتاری وکلای اتحادیه اروپا، خودداری آنها از ارائه آگاهانه و عمدی اطلاعات غلط یا گمراه‌کننده به دادگاه است.^۱

اسناد حاکم بر رفتار وکلای آلمان موارد دیگری را هم به عنوان ضوابط رفتاری وکلا مطرح کرده‌اند که بیش از اینکه مصداق قاعده رفتاری باشند، مبین قواعد اخلاقی هستند. احترام به دادگاه و رفتار منصفانه در رسیدگی‌ها از آن جمله‌اند.

۲.۲. مصادیق تکالیف رفتاری وکلا در امریکا

اسناد حاوی قواعد رفتاری وکلای امریکا، تکالیف ایشان را به تکالیف وکیل در مقابل موکل، تکالیف وکیل در مقابل مردم، تکالیف وکیل در مقابل نظام حقوقی و تکالیف وکیل در مقابل حرفه و همکاران تقسیم می‌کنند. لیکن مهم‌ترین تکالیف رفتاری وکلای امریکا، تکالیفشان نسبت به موکلین است. این تکالیف عبارت‌اند از: رازداری، خودداری از تعارض منافع و ...^۲

براساس تکالیف نمونه مذکور در مقررات بین‌المللی رفتاری وکلا، به بررسی تکالیف رفتاری مندرج در نمونه قواعد رفتار حرفه‌ای کانون وکلای امریکا به ویژه قواعد ناظر بر رابطه وکیل با موکل می‌پردازیم.

۲.۲.۱. رازداری

بند ۶-۱ نمونه قواعد رفتار حرفه‌ای کانون وکلای امریکا به رازداری توجه کرده است. وفق شق (الف) این بند، وکلا از افشای اطلاعات مربوط به فعالیت وکالتی خود ممنوع هستند، مگر در صورت رضایت آگاهانه موکل^۳ یا در حالتی که وکیل افشای اطلاعات را برای موارد ذیل، ضروری بداند: جلوگیری از مرگ یا آسیب‌های جدی بدنی؛ جلوگیری از ارتکاب جرم یا تقلب موکل که منجر به ضرر و زیان مالی دیگران شود یا منجر به تقویت آنچه موکل از آن استفاده می‌کند، گردد؛ برای طرح دعوا یا دفاع از سوی وکیل در دعاوی میان وی و موکل؛ برای دفاع در

1. *Ibid.*, para 4-4.

2. Standards for Imposing lawyer Sanctions, 1992, p. 5.

3. البته این رضایت صرفاً پس از ختم دعوا مؤثر است و قبل از آن، مجوزی برای انتشار اطلاعات نیست.

اتهامات کیفری یا دعاوی مدنی علیه وکیل یا برای پاسخ به هرگونه ادعایی در ارتباط با وکالت وی از موکلین؛ در راستای رعایت قانون یا رأی دادگاه.^۱

تکلیف به رازداری شامل اطلاعات حاصل از مذاکره میان وکلا و مراجعین نیز خواهد بود. منظور از مراجعین اشخاصی هستند که با یک وکیل درخصوص احتمال اعطای وکالت در موضوع خاصی مذاکره می‌کنند، اما رابطه وکالت شکل نمی‌گیرد. بدین مراجعین، موکل احتمالی^۲ گفته می‌شود.^۳ در فرضی که مذاکرات میان وکیل و مراجعان منجر به شکل‌گیری رابطه وکالت نشود، وکیل نباید از اطلاعات حاصل در اثنای مذاکرات استفاده یا آنها را افشا نماید.

۲.۲.۲. خودداری از تعارض منافع

نمونه قواعد رفتار حرفه‌ای کانون وکلای امریکا نیز همچون آلمان، برخی زوایای خودداری از تعارض منافع وکلا را مطمح‌نظر قرار داده است که بدان‌ها اشاره می‌کنیم.

۲.۲.۲.۱. عدم پذیرش دعاوی متضمن تعارض منافع هم‌زمان

این تکلیف، ناظر به تعارض منافع متقارن یا هم‌زمان^۴ است که در شق (الف) از بند ۷-۱ نمونه قواعد رفتار حرفه‌ای کانون وکلای امریکا مورد بحث قرار گرفته است. منظور از آن، اصولاً تعارض میان منافع موکلین دعاوی مطروح است. طبق مقررۀ فوق، در صورتی که قبول وکالت یک شخص، مستقیماً با منافع موکل دیگری متعارض باشد، وکیل نباید آن را بپذیرد. به‌علاوه، هرگاه به دلیل منافع شخصی خود وکیل یا تعهدات او نسبت به اشخاص ثالث یا موکلی دیگر ولو موکل سابق، قبول وکالت یک شخص محدود گردد؛ می‌توان از تعارض منافع هم‌زمان سخن گفت.^۵

البته در چهار حالت علی‌رغم صدق تعارض منافع هم‌زمان، امکان پذیرش وکالت وجود دارد. نخست، وکیل به طور معقولی معتقد باشد که قادر به وکالت مناسب و شایسته‌ای برای هر یک از موکلین است؛ دوم، حالتی که وکالت در فرض تعارض منافع هم‌زمان و متقابل قانوناً ممنوع نشده

1. Model Rules of Professional Conduct, Para 1-6 (b(1 to 6)).
 2. Prospective Client
 3. Model Rules of Professional Conduct, Para 1-18 (a).
 4. Concurrent Conflict of Interest
 5. *Ibid.*, Para 1-7 (a (1 and 2)).

باشد؛ سوم، میان طرفین دعوا دعوای دیگری طرح نشود یا طرح نشده باشد؛ چهارم، در صورتی که هر یک از موکلین متأثر از این اقدام، به صورت مکتوب و آگاهانه رضایت دهد.^۱

در راستای احکام کلی فوق، سند حاضر برخی احکام جزئی را در شق‌های (الف) تا (ذ)^۲ بند ۸-۱ پیش‌بینی کرده است. ممنوعیت کسب آگاهانه برخی اموال، املاک و منافع مالی مغایر با منافع موکل؛ ممنوعیت اعطای هدایای قابل توجه^۳ به وکیل یا بستگان وی از قبیل همسر، فرزندان، نوه‌ها، والدین، اجداد یا دیگر اعضای خانواده یا اشخاص نزدیک به وکیل؛ ممنوعیت وکیل از کمک مالی به موکل در خلال رسیدگی به دعوا؛ ممنوعیت وکیل از پذیرش حق الوکاله موکل از موکلی دیگر؛ ممنوعیت وکیل از حل و فصل یکجا و مترکمه همه دعوای به ضرر یکی از موکلین و ممنوعیت وکیل از توافق با موکل درخصوص کاهش یا عدم مسئولیت وکیل در فرض اقدامات سوء از جمله این تکالیف هستند که ذیل تضمین اجتناب از تعارض منافع قرار دارند.

۲.۲.۲.۲. حفظ استقلال وکلا

گفتیم که یکی از عوامل تضمین جلوگیری از تعارض منافع وکلا، حفظ استقلال آنها است. لذا بند ۴-۵ نمونه قواعد رفتار حرفه‌ای وکلا، تکالیف متعددی را بر دوش وکلای امریکا گذارده است.

در این میان، استقلال حرفه‌ای وکلا از اشخاص غیروکیل، بسیار مورد تأکید است. در امریکا، بخش اعظم تعارض منافع وکلا ناشی از ارتباط آنها با اشخاص غیروکیل است. شق (الف) بند ۴-۵، اعلام می‌کند که وکلا یا مؤسسات حقوقی نباید حق الوکاله را با اشخاص غیروکیل سهیم شوند. به علاوه، هنگامی که تمام خدمات ماهیت حقوقی دارد، نباید با مشارکت اشخاص غیروکیل انجام شوند.^۴

دیگر شق‌های بند ۴-۵، دامنه استقلال حرفه‌ای وکلا را به فروض دیگری تعمیم داده است و لذا وکیل نباید اجازه دهد که دیگران با هدف هدایت فعالیت حرفه‌ای او به سوی منویات خود، وجوه یا پست‌هایی به وی پیشنهاد کنند و نیز در حالتی که اشخاص غیروکیل در یک انجمن یا مؤسسه حقوقی منافی داشته یا ریاست آن را بر عهده دارند، وکیل نباید برای کسب منفعت با

1. *Ibid.*, Para 1-7 (b (1 to 4)).

2. A to K

3. Substantial Gift

4. *Ibid.*, Para 5-4 (a) and (b).

مؤسسات مذکور همکاری کند. ممنوعیت رابطه جنسی وکیل با موکل نیز مضاف بر ملاحظات اخلاقی، در همین قالب می‌گنجد.^۱

۲.۲.۲.۳. تکلیف نسبت به موکلین احتمالی

از دیگر تکالیف وکیل در راستای اجتناب از تعارض منافع، تکلیف او در قبال اشخاصی است که برای مشاوره و اعطای وکالت مراجعه می‌کنند، اما رابطه وکالت میان آنها شکل نمی‌گیرد. در صورتی که وکیل اطلاعات مهم و تأثیرگذاری را از موکل احتمالی کسب کرده باشد، نباید وکالت در موضوعی را بپذیرد که اساساً با منافع او در همان موضوع یا موضوعات مرتبط تعارض دارد. مع‌ذک، در صورتی که موکل احتمالی به صورت مکتوب و آگاهانه رضایت خود را اعلام یا وکیل اقدامات مناسبی برای اجتناب از افشای اطلاعات مربوطه منظور نماید، ممنوعیت فوق از بین خواهد رفت.^۲

۲.۲.۳. الزام به تبلیغات صحیح و واقعی

وکلائی امریکا مانند وکلای آلمان، مجاز به تبلیغ فعالیت حرفه‌ای خود هستند، گرچه محدودیت وارد بر وکلای آلمان اندکی بیشتر است. مع‌الوصف، در امریکا وکیل نباید مطالب نادرست^۳ یا گمراه‌کننده‌ای^۴ در تبلیغ خدمات و فعالیت‌های خود مطرح کند. مطالب نادرست یا گمراه‌کننده حاوی اطلاعات غلط در مورد واقعیت یا موارد قانونی است. عدم اشاره به واقعیت‌ها هم مصداق همین امر است.

مطابق شق (الف) بند ۲-۷ نمونه قواعد رفتار حرفه‌ای وکلا، وکیل می‌تواند با لحاظ الزام فوق خدمات خود را به صورت مکتوب، ضبط‌شده یا الکترونیکی و از طریق رسانه‌های گروهی آگهی کند. گفتنی است که وکیل از پرداخت هرگونه وجه برای پیشنهاد خدمات وی به دیگران، ممنوع است و فقط پرداخت هزینه تبلیغات و آگهی مجاز طبق این سند، امکان‌پذیر است.^۵

1. Ibid.

2. Ibid., Para 1-18 (b) to (d).

3. False

4. Misleading

5. Ibid, Para 7-2 (a) and (b).

این سند به جهت‌دهی امر تبلیغات اکتفا نکرده و درصدد تعیین مسئول برای صحت و سقم محتوای تبلیغات است. لذا تمام آگهی‌ها باید حاوی نام و نشانی دفتر حداقل یک وکیل یا مؤسسه حقوقی مسئول باشد.^۱

۲.۲.۴. گزارش سوءرفتارهای حرفه‌ای

یکی دیگر از تکالیف رفتاری وکلای امریکا، تکلیف به گزارش سوءرفتار حرفه‌ای سایر وکلای^۲ در حالتی است که صداقت و درستی،^۳ وفاق^۴ یا سازگاری آنها به عنوان یک وکیل مورد تردید قرار گیرد. وکیل همین تکلیف را در فرض موارد سوءرفتار قضات نیز دارد. البته، تکلیف حاضر باید با رعایت تکلیف به رازداری و عدم افشای اطلاعات مورد تضمین بند ۶-۱ انجام پذیرد.^۵ با تأمل در تکالیف فوق، درمی‌یابیم که نمونه قواعد رفتار حرفه‌ای وکلای امریکا بیش‌تر بر تکالیف حرفه‌ای وکیل نسبت به موکل تأکید دارند و برای مثال، به رعایت حسن همکاری میان وکلا توجهی ندارد. گرچه محدودیت‌های ناظر به تبلیغ خدمات وکیل و گزارش سوءرفتارهای حرفه‌ای در زمره تکالیف وکیل نسبت به حرفه هستند.

النهایه باید متذکر شد که تکالیف مذکور از نوع قواعد الزامی حداقلی^۶ و ممنوعیت‌ها^۷ هستند؛ یعنی قواعدی که در عین آرمانی بودن، برای اعضای حرفه نیز الهام‌بخش بوده و عملاً آنها را به انجام و رعایت قواعد ملتزم می‌کنند؛ زیرا این دسته از قواعد، رفتار مناسب را با هدف برقراری نظم حرفه‌ای پیش‌بینی می‌کنند. سایر مفاد نمونه قواعد رفتار حرفه‌ای کانون وکلای امریکا که در قالب «می‌تواند»^۸ قرار می‌گیرند، قواعد ارشادی بوده و دربردارنده حوزه اختیارات وکلا هستند.

1. Ibid., Para 7-2 (c).

۲. مواردی چون نقض یا تلاش جهت نقض نمونه قواعد رفتار حرفه‌ای توسط دیگران، ارتکاب اعمال کیفری مخرب درستی، قابلیت اعتماد یا سازگاری وکلا، ارتکاب رفتارهای متضمن تقلب، کلاهبرداری یا فریب، انجام رفتارهای تبعیض‌آمیز، بیان یا تظاهر به توانایی جهت تأثیر نامتعارف بر سازمان‌ها یا مقامات دولتی و همکاری آگاهانه با قضات یا مأموران قضائی که مصداق نقض قواعد رفتار قضائی یا قوانین است، همگی سوءرفتار حرفه‌ای تلقی می‌شوند (Model Rules of Professional Conduct, Para 8-4 (a) to (f)).

3. Honesty

4. Trustworthiness

5. Ibid., Para 8-3 (a) to (c).

6. Shalls

7. Shall not

8. May

۳. اعمال ضمانت‌اجرای قواعد رفتاری وکلا

ضمانت‌اجرای قواعد رفتاری حرفه وکالت، آنطور که باید مورد توجه اسناد و مجموعه قواعد رفتاری قرار نگرفته، بلکه این نویسندگان یا سایر اسناد رفتاری هستند که با عنایت بدین خلأ و آثار مهم آن، ضمانت‌اجرای قواعد رفتاری وکلا را مطمح نظر قرار داده‌اند.

۳.۱. اعمال ضمانت‌اجرای قواعد رفتاری وکلا در آلمان

قواعد عملکرد حرفه‌ای وکلا و قواعد رفتاری وکلای اتحادیه اروپا در مورد ضمانت‌اجرای تکالیف رفتاری صرفاً به ذکر عباراتی مختصر اکتفا کرده‌اند. سند نخست تنها در ماده ۳۵ به الزام‌آوردن مفادش اشاره کرده^۱ و بند ۱-۲-۱ قواعد رفتاری وکلای اروپا نیز فقط اعلام کرده که عدم رعایت مفاد آن، مستوجب ضمانت‌اجراهای انضباطی است^۲، اما مصادیق آن را پیش‌بینی نکرده است.

از آنجا که حرفه وکالت در آلمان مبتنی بر خودگردانی است، اتاق فدرال وکلا و دادگاه انتظامی وکلا دارای میزانی از اقتدار انضباطی هستند. لذا به‌رغم سکوت قواعد عملکرد حرفه‌ای، مراجع مذکور عملاً اقدام به اعمال پاره‌ای ضمانت‌اجراهای انضباطی می‌کنند. قانون جزای آلمان نیز برخی از تخلفات رفتاری وکلا را مستوجب ضمانت‌اجرای کیفری دانسته است.

۳.۱.۱. توبیخ و سلب عضویت از اتاق وکلا

در صورتی که وکیلی مرتکب سوءرفتارهای جزئی شود، ممکن است توسط اتاق فدرال وکلا یا دادگاه انتظامی توبیخ شود. توبیخ خفیف‌ترین ضمانت‌اجرایی است که برای تخلفات رفتاری جزئی و توسط دو مرجع مزبور قابل‌اعمال است. گفتنی است که صلاحیت اتاق فدرال در اعمال ضمانت‌اجرا، محدود به نقض تکالیف رفتاری جزئی است و شامل تخلفات جدی‌تر نمی‌شود.^۳ چراکه رسیدگی به تخلفات جدی‌تر مانند ورود به وضعیت تعارض منافع، مستلزم طی مراحل دادرسی است و دادگاه انتظامی وکلا^۴ بدان رسیدگی می‌کند.

1. Rules of Professional Practice, Art 35.

2. Code of Conduct for European Lawyer, Para 1-2-1.

3. Wooldridge, F., "The German Rules Governing the Professional Conduct of Rechtsanwälte", *The International and Comparative Law Quarterly*, 1990, Vol. 39, No. 3, p. 684.

۴. این دادگاه، به لحاظ تشکیلات به اتاق وکلا وابسته بوده و صرفاً مرکب از وکلا است. رسیدگی به موارد نقض تکالیف رفتاری مندرج در قواعد عملکرد حرفه‌ای وکلا و اعمال طیفی از ضمانت‌اجراهای انضباطی از توبیخ تا ←

اخراج یا سلب عضویت از اتاق وکلا دیگر ضمانت‌اجرای انضباطی است که هرگاه وکیل علی‌رغم وجود تعارض منافع، به وکالت ادامه دهد، حق وی برای دریافت حق‌الوکاله ساقط و قرارداد وکالت باطل شده و منجر به سلب عضویت وکیل از اتاق وکلا توسط دادگاه انتظامی می‌شود.^۱

۳.۱.۲. حبس و جزای نقدی

تکالیف رفتاری وکلای آلمان دارای ضمانت‌اجرای کیفری نیز هستند. ضمانت‌اجراهای مذکور ریشه در قانون جزای آلمان دارند، لیکن از آنجا که مبنای پیش‌بینی و تحمیل آنها، نقض تکالیف رفتاری مقرر در قواعد عملکرد حرفه‌ای است، باید بدان‌ها توجه نمود. بارزترین ضمانت‌اجراهای کیفری برای موارد نقض تکالیف رفتاری وکلا، حبس و جزای نقدی است.

البته پیش‌بینی ضمانت‌اجراهای کیفری ایراداتی دارد و آن اینکه با ماهیت نه‌چندان سنگین تخلفات و سوءرفتارهای حرفه‌ای تناسب ندارد و از طرفی، اعمال آنها مستلزم رسیدگی مراجع کیفری است. می‌دانیم که رسیدگی این مراجع بر عملکرد حرفه‌ای وکلا با استقلال و منزلت حرفه‌ای آنها سازگار نیست و دقیقاً برعکس ضمانت‌اجراهای انضباطی عمل می‌کند.

به‌رحال، نقض رازداری و افشای اطلاعات موکل طبق ماده ۲۰۳ قانون جزای آلمان، جزای نقدی یا حبس کمتر از یک سال را به دنبال دارد.^۲ مجازات حبس برای پاره‌ای از سوءرفتارهای حرفه‌ای مانند استفاده وکیل از وجوه متعلق به موکل یا اشخاص ثالث تشدید شده و به حبس تا پنج سال افزایش یافته است.^۳ ماده ۳۵۶ قانون جزای آلمان هم عدم خودداری از تعارض منافع را جرم دانسته و حبس از سه ماه تا پنج سال را پیش‌بینی کرده است.^۴ لذا، قرارگرفتن در تعارض منافع و ادامه آن، هم مصداق تخلف حرفه‌ای است و هم مصداق جرم.

→ اخراج از اتاق وکلا در صلاحیت آن است. لذا صلاحیت انتظامی اتاق فدرال وکلا در طول صلاحیت دادگاه انتظامی وکلا قرار دارد، نه در رأس یا حتی در عرض آن.

1. Lehmann, J. and Rettig, S., "Regulation of the Legal Profession in Overview", *Practical Law*, 2017, p. 3. available online at: <file:///C:/Users/Azad/Downloads/Regulation%20of%20the%20legal%20profession%20in%20Germany%20overview.pdf>
2. German Criminal Code, Section 203, Para 1(3).
3. Lehmann and Rettig, Op. cit., p. 3.
4. German Criminal Code, Section 356, Para 1.

۳.۲. اعمال ضمانت‌اجرای قواعد رفتاری وکلا در امریکا

در امریکا نیز نمونه قواعد رفتار حرفه‌ای وکلا چندان رویکرد معینی در رابطه با ضمانت‌اجراهای نقض این قواعد ندارد. لیکن چون این سند تکالیف رفتاری وکلا را تعیین کرده، می‌تواند مبنایی برای اعمال ضمانت‌اجراهای انضباطی^۱ نقض آنها باشد.^۲ در همین راستا، نظام حقوقی امریکا اقدام به پیش‌بینی برخی ضمانت‌اجراهای انضباطی نموده و توجه چندانی به ضمانت‌اجراهای کیفری نکرده است. هرچند اعمال ضمانت‌اجراها به جای محاکم انتظامی، برعهده دادگاه‌های ایالتی است و این امر مغایر استقلال و خودگردانی حرفه‌ای وکلا به نظر می‌رسد.

به طور کلی در نظام حقوقی امریکا، ضمانت‌اجراهای انضباطی اصلی برای برخورد با موارد نقض تکالیف رفتاری عبارت‌اند از: تذکر، توبیخ، تعلیق پروانه وکالت و لغو پروانه وکالت. به موازات ضمانت‌اجراهای مذکور، اقدامات دیگری نیز قابلیت اعمال دارند.

۳.۲.۱. تذکر^۳ و توبیخ^۴

تذکر یک بیانیه سرزنشی خصوصی است که توسط کانون وکلا برای وکلای متخلف صادر می‌شود. تذکر، شکلی از ضمانت‌اجراهای غیرعمومی است که رفتار نامتعارف و کیلی را اعلام می‌کند، اما حق وکیل به فعالیت وکالت را محدود نمی‌نماید.^۵

توبیخ نیز نوعی سرزنش و تذکر محسوب می‌شود، منتها توبیخ برخلاف تذکر جنبه عمومی دارد.^۶ بدیهی است که توبیخ باید در جرایم منتشر شود.^۷

۳.۲.۲. تعلیق^۸ و لغو پروانه وکالت^۹

مقصود از تعلیق در واقع تعلیق فعالیت وکالت برای مدت معینی است. در امریکا این تعلیق عمدتاً برای دوره‌ای معادل ۶ ماه یا بیشتر است لیکن، در هیچ مورد نباید بیش از سه سال طول

۱. مناسب‌ترین ضمانت‌اجرای نقض قواعد و تکالیف رفتاری، ضمانت‌اجراهای انضباطی است؛ چراکه هم به لحاظ طراحی و هم به لحاظ اعمال، معطوف به منزلت و استقلال حرفه‌ای وکلا است.

2. Model Rules of Professional Conduct, Preamble

3. Admonition

4. Reprimand

5. Standards for Imposing lawyer Sanctions, Section 3B, Para 2.6.

6. Ibid., Section 3B, Para 2.5.

7. Moliterno, *Op. cit.*, p. 34.

8. Suspension

9. Disbarment

بکشد. وکیل معلق، باید تا اتمام فرایندهای مربوط به شروع مجدد وکالت یعنی صدور اجازه فعالیت، پذیرش کلیه نظام‌های رفتاری و انقیاد به قانون، صبر نماید.^۱

دیگر ضمانت‌اجرا لغو پروانه وکالت است که اصولاً ناظر به محرومیت دائمی وکیل از شغل وکالت می‌باشد. منتها در امریکا، لغو پروانه وکالت می‌تواند موقتی باشد؛^۲ چراکه در اکثر حوزه‌ها و مناطق، وکیل محروم می‌تواند پس از یک دوره مشخص، مجوز وکالت را تقاضا نماید.^۳ گرچه فرض را بر این می‌گذارند که این ضمانت‌اجرا، «به فعالیت وکالت شخص خاتمه می‌دهد».^۴

در وضعیتی که لغو پروانه مصداق ممنوعیت دائمی از وکالت باشد، بحث خاصی نیست، ولی در حالتی که ضمانت‌اجرای مربوطه لغو دائمی پروانه وکالت نباشد، پذیرش مجدد وکیل متخلف، با رعایت شرایط ذیل و تابع تشریفات خواهد بود:

الف) متقاضی مجدداً باید در آزمون کانون وکلا شرکت کرده و پذیرفته شود.

ب) تقاضای پذیرش مجدد نباید در فاصله ۵ سال از تاریخ لغو پروانه وکالت، مطرح شود (حداقل مدت لغو پروانه وکالت ۵ سال است).

ج) وکیل متخلف باید با شواهد روشن، انجام موفقیت‌آمیز آزمون وکالت، پذیرش قواعد رفتاری و انضباطی و نیز انقیاد به قانون را ثابت کند.^۵

همین تفاوت در شرایط بازگشت به عرصه وکالت، بیان‌گر وجوه تمایز میان تعلیق پروانه وکالت و لغو غیردائمی آن است. لذا نباید میان این دو خلط نماییم.

۳.۲.۳. رفتارسنجی^۶

رفتارسنجی ضمانت‌اجرایی است که به موجب آن، رفتار وکلا تحت تدابیر مراقبتی قرار گرفته و وکلا در وضعیتی مشابه آزادی مشروط قرار دارند. این ضمانت‌اجرا به وکیل اجازه می‌دهد، تحت شرایط خاصی فعالیت کند. برای مثال، دادگاه‌های ایالتی ممکن است وکلای مشمول ضمانت‌اجرای انضباطی را مکلف به حضور در دوره‌های آموزش مسئولیت حرفه‌ای نمایند.^۷ در

1. Standards for Imposing lawyer Sanctions, Section 3B, Para 2.3.

2. Where Disbarment is not Permanent ...

3. Moltireno, *Op. cit.*, p. 34.

4. Standards for Imposing lawyer Sanctions, Section 3B, Para 2.2.

5. *Ibid.*

6. Probation

7. Moltireno, *Op. cit.*, p. 35.

عرصه نظارت حرفه‌ای وکلا، رفتارسنجی می‌تواند به تنهایی یا همراه با تذکر، توبیخ یا پس از تعلیق تحمیل شود. این سازوکار، ممکن است به عنوان شرط پذیرش یا فعالیت مجدد وکیل نیز تحمیل گردد.^۱

النهایه باید گفت که رسیدگی به ادعای سوءرفتار حرفه‌ای وکلای امریکا دارای مراحل مختلفی است و در این بین، دادگاه‌های عالی ایالتی نیز ممکن است به رسیدگی ورود یابند. این موضوع، به‌رغم افزایش الزام حقوقی تکالیف رفتاری وکلا، از منظر دخالت قوه قضائیه در حرفه وکالت و نقض استقلال عمل وکلا، قابل ایراد است.

1. Standards for Imposing lawyer Sanctions, Section 3B, Para 2.7.

نتیجه‌گیری

دانستیم که استانداردهای حرفه‌ای اعم از قواعد اخلاقی و رفتاری است. قواعد اخلاقی، بیانیه‌های ارزشی است و بر مجموعه‌ای از اصول کلی مؤثر در امر تصمیم‌گیری تأکید می‌کنند، اما قواعد رفتاری، اقدامات مناسب و نامناسب را مشخص کرده و شامل فهرستی از باید و نبایدهای رفتاری هستند که بر مبنای همان استانداردهای اخلاقی تنظیم شده‌اند.

تمامی اقسام استانداردهای حرفه‌ای بیان‌گر اصول و معیارهای اخلاقی و ارزشی حاکم بر انجام وظایف شغلی و حرفه‌ای هستند و در این میان، قواعد رفتاری با هدف تنظیم هرچه بهتر رفتار حرفه‌ای و ترویج اخلاق در این حوزه، از تعیین و تشخیص بیشتری برخوردار هستند. از سویی نیز جوامع به‌طور روزافزون با رسوایی‌های مختلف مواجه می‌شوند که می‌توان ریشه‌ی اغلب آنها را در عدم توجه به ارزش‌ها و اصول اخلاقی دانست.

این رسوایی است که به شکل مناسبی لزوم تصویب قواعد رفتاری را توجیه می‌کند.^۱ زیرا قواعد رفتاری سعی در عینیت بخشی به اصول اخلاقی در بخش عظیمی از حرفه‌ها دارند و لذا در صورت تصویب و اجرا، می‌توانند بسیاری از معضلات و رسوایی‌ها را حل و آثار اجتماعی مهمی از قبیل جلوگیری از فساد، پاسخ‌گویی، تقویت اعتماد عمومی و تقویت همبستگی حرفه‌ای داشته باشند. لذا یکی از الزامات مهم کنترل رفتار حوزه‌های بخشی^۲ مانند حرفه‌ها، پیش‌بینی قواعد رفتاری مبتنی بر خودگردانی آنها است.

در حرفه وکالت نیز اصولاً استقلالی نسبی برقرار است که لازمه دادگستری شایسته و منصفانه می‌باشد. در واقع طی قراردادی مفروض، جامعه میزانی استقلال و آزادی عمل را به حرفه وکالت اعطا می‌کند و جایگاه والایی برای وکلا قائل می‌شود. درمقابل، حرفه وکالت نیز به انجام رفتار حرفه‌ای مطلوب و اعمال ضمانت‌اجرای رفتار غیرحرفه‌ای در عوض مزایای استقلال و خودگردانی، تعهد می‌کند تا اطمینان دهند که عملکرد اعضا و قواعد آن درصدد توجه به منفعت عمومی و حمایت از مردم است و نه در راستای پیشبرد اهداف خود و اعضا و در نتیجه، تحقق

1. Rosenthal, A., "the Effects of Legislative Ethics Law: (an Institutional Perspective)", in: Saint-Martin and Thompson (Eds), *Public Ethics and Governance: Standards and Practices Incomparative Perspective*, Elsevier, 2006, p. 156.

۲. گفتنی است که مقوله فساد و رسوایی در حوزه‌های فرابخشی نیز قابل طرح است، لیکن نگارنده در اینجا قصد پرداختن بدان را ندارد.

پاره‌ای رسوایی‌ها.^۱ بنابراین، پیش‌بینی برخی تکالیف حرفه‌ای برای وکلا و متعاقب آن، تدبیر برخی ضمانت‌های اجرایی، تلاشی است در راستای تعیین حدود و ثغور رفتارهای مناسب و نامناسب حرفه‌ای وکیل.

در همین زمینه، اتاق فدرال وکلای آلمان و کانون وکلای فدرال امریکا، پس از فراز و فرودهای فراوان توانسته‌اند مجموعه قواعد رفتار حرفه‌ای را برای تنظیم رفتار حرفه‌ای وکلای عضو وضع کنند و مستقل از دولت، تکالیف متعینی بر دوش وکلا بگذارند. نفس پیش‌بینی چنین تکالیفی، مصداق الزام‌آوری قواعد رفتاری است. در این اثنا، تکالیفی چون رازداری، خودداری از تعارض منافع و الزامات مربوط به تبلیغ وکالت در میان وکلای آلمان و امریکا مشترک است و مواردی چون حسن همکاری میان وکلا و دفاع شایسته از موکل به آلمان و گزارش سوءرفتارهای حرفه‌ای سایر وکلا هم به حرفه وکالت امریکا اختصاص دارد. درخصوص ضمانت‌اجرا نیز، مشخصاً تذکر، توبیخ و لغو پروانه وکالت از جمله ضمانت‌اجراهای انضباطی مشترک وکلا در هر دو کشور است. گفتنی است که در آلمان برای وکلای متخلف از قواعد رفتاری، ضمانت‌اجرای کیفری حبس و جزای نقدی هم پیش‌بینی شده است و این امر، شاید چندان با آزادی عمل حرفه وکالت، سازگار نباشد. در مقابل، تعلیق فعالیت وکالت و رفتارسنجی نیز به امریکا منحصر است.

بنابراین، در راستای پاسخ به پرسش مقاله حاضر می‌توان گفت، تلاش نهادهای حرفه‌ای وکالت در آلمان و امریکا و گذار آنها از قواعد اخلاقی به قواعد رفتاری، معطوف به ایجاد درجه‌ای از الزام حقوقی در ضوابط رفتاری وکلا بوده و پیش‌بینی فروض مختلف رفتار حرفه‌ای از طریق تکالیف رفتاری و شناسایی پاره‌ای ضمانت‌اجرا اعم از انضباطی و کیفری هم بیان‌گر الزامی بودن قواعد رفتاری وکلای دو کشور است. گرچه رویکرد امریکا به دلیل اجتناب از ضمانت‌اجراهای کیفری، منزلت بنیادتر از رویکرد آلمان است. ضمن اینکه در امریکا، در مواردی چون تعارض منافع وکلا، دادگاه‌ها مستقیماً به قواعد رفتاری وکلا مراجعه کرده و ضمن تفسیر این قواعد، مبادرت به صدور رأی می‌کنند. در آلمان هم دیوان عالی فدرال، وفق قواعد عملکرد حرفه‌ای

1. ABA Model Rules of Professional Conduct, Preamble

وکلا، قادر به رسیدگی نسبت به اعتراض از تصمیمات دادگاه انتظامی تجدیدنظر وکلا است و این خود نشان از اهمیت قواعد رفتاری در تنظیم رفتار حرفه‌ای وکلا دارد.

تصریح ماده ۳۵ قواعد عملکرد حرفه‌ای وکلای آلمان به مدت لازم‌الاجرا شدن آن سند و نیز صراحت مقدمه قواعد رفتار حرفه‌ای کانون وکلای امریکا مبنی بر اینکه هیچ اقدام انضباطی نباید درخصوص تخلف از قواعد اخلاقی بر وکلا تحمیل گردد و اقدامات انضباطی مربوط به عدم رعایت تکالیف رفتاری مذکور در صفحات پیشین است؛ همگی مبین الزام‌آوری آنها است.

بنابراین اگر بتوان قواعد رفتاری مبتنی بر خودگردانی وکلا را الزامی تلقی کرد و خوانشی حقوقی نسبت به آنها ارائه داد، میزان کامیابی در مبارزه با فساد، تعالی اخلاقی و ... افزایش یافته و ضمناً منزلت و استقلال حرفه وکالت تضمین خواهد شد؛ زیرا نهادهای فرابخشی و مشخصاً دولت، دلیلی برای دخالت در وکالت به بهانه تنظیم رفتار وکلا نخواهند یافت. حال آنکه در ایران، دولت به موجب قوانین و مقرراتی چون آیین‌نامه اجرایی لایحه استقلال کانون وکلا ۱۴۰۰، بدون توجه به استقلال عمل وکلا و با درکی حداقلی از قواعد رفتاری وکالت، تعهداتی بر عهده وکلا گذاشته و در مواد ۱۱۹ الی ۱۲۶ آیین‌نامه نیز مجازات انتظامی پیش‌بینی کرده است. با عنیاً تبیین موضوع، توجه به نکات ذیل ضروری است.

۱. ضرورت تصویب مجموعه قواعد رفتاری وکلا مبتنی بر خودگردانی حرفه‌ای به نحوی که مشارکت وکلا در تدوین و تصویب این قواعد تضمین شود. توضیح اینکه اتحادیه سراسری کانون‌های وکلا باید به‌جای اقدامات پراکنده تقنینی و مقررات‌گذاری، با استفاده از تجربیات بین‌المللی مبادرت به پیش‌بینی فروض دقیق و مختلف الزامی رفتار وکلا کرده و ضمانت‌اجراهای انضباطی برای آن پیش‌بینی نماید. زیرا با وجود مواد ۷۶ و ۷۷ آیین‌نامه لایحه استقلال ۱۳۳۴ و ماده ۷۷ آیین‌نامه سال ۱۴۰۰، بستر لازم برای الزامی تلقی کردن نظامات رفتاری وکلا وجود دارد و تنها لازم است که کانون‌های وکلا در این زمینه مبادرت به وضع قواعد رفتاری نمایند. اصرار مراجع فرابخشی برای تمشیت جنبه‌های مختلف حرفه وکالت در سال‌های اخیر نیز ناشی از عدم ابتکار کانون‌های وکلا و اکتفا به آیین‌نامه لایحه استقلال است که در هنگام وضع (۱۳۳۴)، به تصویب وزیر وقت دادگستری به مثابه مقامی دولتی رسیده و بدیهی است، قوه قضائیه امروز خود را صالح به تغییر آن بداند.

۲. لزوم تقویت خوانش حقوقی نسبت به مجموعه قواعد رفتاری وکلا که پیشنهاد تصویب آن توسط کانون‌های وکلا و اتحادیه سراسری کانون وکلا ارائه شد.
۳. تبیین جایگاه شایسته برای قواعد رفتاری وکلا در بین سلسله مراتب هنجارهای حقوقی. بدین توضیح که تا زمان تصویب مجموعه قواعد رفتاری وکلا، باید رابطه حقوقی میان اسناد پراکنده موجود در این زمینه تبیین شود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

مقاله

۱. اکبریان، محمد، از بیانیه اخلاقی تا کدهای رفتاری، منابع انسانی، ۱۳۸۸، شماره ۵، صص ۳۸-۴۰.
۲. ویژه، محمدرضا و رضائی، آزاد، مبنای اعمال نظارت حرفه‌ای پارلمانی: منزلت نمایندگی و پارلمان، حقوق اساسی، ۱۳۹۲، سال ۱۰، شماره ۱۹، صص ۲۰۱-۱۸۱.

ب) منابع انگلیسی

Books

3. Demmke, C. et al, *Regulating Conflicts of Interest for Holders of Public Office in the European Union (A Comparative Study of the Rules and Standards of Professional Ethics for the Holders of Public Office in the EU-27 and EU Institutions)*, Maastricht: European Institute of Public Administration, 2008.
4. Gilman, Stuart C., *Ethics Codes and Codes of Conduct as Tools For Promoting an Ethical and Professional Public Service: Comparative Successes and Lessons*, Washington, DC: World Bank, 2005.
5. Goldstein B. .M., *Professional Legal Ethics: A Comparative Perspective*, USA, American Bar Association, 2002.
6. Lewis, C. W. and Gilman, S. C., *The Ethics Challenge in Public Service: A Problem-Solving Guide*, 2nd Ed, Jossey-Bass Publication, 2005.
7. McClelland, Charles E., *the German experience of professionalization*, Cambridge: Cambridge University Press, 1991.
8. Moliterno, James E., *Professional Responsibility*, 3rd Edition, New York: Aspen Publishers, 2010.

Articles

9. Geraghty, P., "History of U.S Legal Ethics Standards", 2016, Available online at:

<https://www.americanbar.org/publications/youraba/2016/december-2016/a-brief-history-of-the-development-of-legal-ethics-standards-in-.html/>

10. Gerold, L., *The Legal Profession in Germany*, 2008, p. 5, Available online at: <https://www.osce.org/odihr/36304?download=true/>
11. Horsley, M. and Thomas, D., “Professional regulation and Professional autonomy: Benchmarks from across the professions- The New South Wales experience”, *change: transformations in Education*, 2003, Vol. 6 (1), pp. 34-47.
12. Kong-lung, H., «Law and Ethics in Medical Practice: an Overview», *Medical Section*, 2003, pp. 3-7.
13. Lehmann, J. and Rettig, S., “Regulation of the Legal Profession in Overview”, *Practical Law*, 2017, p. 3. available online at: <file:///C:/Users/Azad/Downloads/Regulation%20of%20the%20legal%20profession%20in%20Germany%20overview.pdf/>
14. MacFarlane, P., “The Importance of Ethics and the Application of Ethical Principles to the Legal Professions: A Working Paper”, *Journal of South Pacific Law*, 2002, Vol. 6, available online at: <http://www.paclii.org/journals/fJSPL/vol06/8.shtml>
15. Plant, Jeremy F., «Codes of Ethics», in: Cooper (Ed), *Handbook of Administrative Ethics*, 2nd Ed, New York: Marcel Dekker Inc., 2000, pp. 309-335.
16. Rosenthal, A., “the Effects of Legislative Ethics Law: (an Institutional Perspective)”, in: Saint-Martin and Thompson (Eds), *Public Ethics and Governance: Standards and Practices Incomparative Perspective*, Elsevier, 2006, pp. 155-177.
17. Schultz, U., “Teaching Legal Ethics to the Legal Professions in Europe”, *International Journal of the Legal Profession*, Vol. 4, No. 1-2, pp. 55-87.
18. Stapenhurst, R. and Pelizzo, R., *Legislative Ethics and Codes of Conduct*, Washington, D.C., World Bank Institute, 2004.
19. Terhart, E., “Formalised Codes of Ethics for Teachers: Between Professional Autonomy and Administrative Control”, *European Journal of Education*, 1998, Vol. 33, No. 4, pp. 433-444.
20. Wooldridge, F., “The German Rules Governing the Professional Conduct of Rechtsanwälte”, *The International and Comparative Law Quarterly*, 1990, Vol. 39, No. 3, pp. 683-690.

Codes and Standards

21. American Bar Association (ABA) Model Rules of Professional Conduct, American Bar Association, 1983, available online at:
https://isb.idaho.gov/wp-content/uploads/pro_abamodel_rpc.pdf
22. Code of Conduct for Lawyers in the European Union, 1998.
23. German Criminal Code, 2009.
24. Rules of Professional Practice, Federal Republic of Germany, 2011, available online at:
http://www.brak.de/w/files/02_fuer_anwaelte/berufsrecht/bora_engl_standard_1_11_2011.pdf
25. Standards for Imposing lawyer Sanctions, 1992.
The Code of Conduct for European Lawyers, 2007, Council of Bars and Societies of Europe, in: Goldsmith (Ed), 2008, **Charter of Core Principles of the European Legal Profession and Code of Conduct for European Lawyers**, European Lawyers Promoting Law and Justice.

